

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical	تاریخی
------------	--------

شبهانگ راد
۰۶ فبروری ۲۰۱۵

سیاهکل، نماد صداقت و باور به عمل و قیام توده‌ها، نماد یگانگی و اتحاد! (به مناسبت دو روز بزرگ تاریخی)

معرفی و تجلیل از هر واقعه تاریخی - مبارزاتی، به معنای قبول بنیانی و همسوئی با ادارکات سازمانی - تشکیلاتی نیست، بلکه موضوعات و اتفاقات جداگانه‌ای است که، در زمان‌های معینی از اوضاع و احوال اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه به وقوع می‌پیوندد. به همین دلیل اعلان و بزرگداشت از وقایع تاریخی - مبارزاتی و آن‌هم بدون چشم‌داشت‌ها و تعصبات تئوریک - سازمانی، در خدمت به روشن‌گری افکار عمومی جامعه و به معنای امانت‌داری از تحریکات و تعرضات رادیکال انقلابی - کمونیستی‌ست. به سخن دیگر، جامعه ایران هم به‌مانند دیگر جوامع جهان، مملو از روی‌دادها و رخدادهای مردمی و کمونیستی‌ست؛ روی‌دادها و رخدادهایی که زورمداران و صاحب‌قدرت را به مصاف طلبیدند و جامعه را، از کرختی و از رکود مبارزاتی بدر آوردند. با این اوصاف چنین وقایعی نه قابل تحریف‌اند، و نه صحیح‌ست تا آن‌ها را از حافظه تاریخی پاک نمود. واقعه سیاهکل در ۱۹ بهمن [دلو] ۴۹ و همچنین قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷ توده‌های ستمدیده ایران، علیه رژیم شاهنشاهی را می‌توان، از این‌دست رخدادهای مهم و تاریخی به حساب آورد، که نقش بس عظیمی، در راه‌گشائی جامعه سراسر خفقانبار و مبارزات ضد امپریالیستی ایران ایفاء نمودند.

بیش و نزدیک به چهار دهه‌ای‌ست که از این دو واقعه تاریخی می‌گذرد. وقایعی که به سهم خود، جامعه و نظام سراسر هار و خشن را به مبارزه می‌طلبد و صفحات تازه‌ای را در تاریخ جنبش کمونیستی - مردمی ایران گشود. در آغاز، تعرض چریک‌های فدائی خلق در ۱۹ بهمن ۴۹، در جنگل‌های شمال ایران را می‌توان به سان هر تعرض و تحرک کمونیستی، مورد بررسی و بازنگری قرار داد و ثمره و نائثری آن را شناخت؛ می‌توان به‌مانند حرافان و بی‌عملان و آن‌هم بدون منطق و ارائه تحلیل و ارزیابی صحیح از ماهیت رژیم‌های سراپا مسلح، آن را رد نمود و یا این‌که، به نقد مارکسیستی - لنینیستی آن نشست؛ می‌توان آن را به حرکت تعدادی عنصر "ماجراجو" و "قهرمان" نسبت داد و تلاش نمود، تا رخداد سیاهکل را به‌عنوان باز دارنده جنبش‌های کارگری - توده‌ئی، به بیرون معرفی نمود؛ می‌توان به‌دنبال راه "تازه" و "نوین" مبارزه بود؛ اما صلاح نیست تا به تحریف و یا به انکار چنین روی‌دادهای مهم و ارزش‌مند جنبش‌های اعتراضی مردمی - کمونیستی نشست. عدم تفکیک این دو موضوع، یعنی تحریف و انکار ماهیت حرکت کمونیست‌های عمل‌گرای دهه ۴۰، باعث خواهد گردید، تا افکار نسل جوان در

شناسائی حقیقی روی داده‌های ارزش‌مند جنبش کمونیستی، به انحراف کشانده شود و معضلات نظری - عملی جنبش چپ را، دو چندان نماید.

انکاری در آن نیست که نقشه و برنامه درازمدت سیاهکل دوام نیافت؛ مخالفتی در آن نیست که ضربات وارده بر سیاهکل، باعث گردید تا سازمان نوپای کمونیستی را از انجام وظایفش باز دارد و علی‌رغم تلاش بی‌وقفه بازماندگان آن، جنبش ضد امپریالیستی توده‌های ستم‌دیده و قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن، به انحراف کشانده شود و نظامی دیگر و آن هم با مختصات مشابه، بر اریکه قدرت تکیه زند. همچنین نمی‌توان این موضوع را انکار نمود که سیاهکل، مسیر جنبش کمونیستی را وارونه نمود و راهی تازه و نوین، پیش پای توده‌های محروم و هزاران جوان و عنصر مدافع کارگران و زحمت‌کشان گذاشت. باری، سیاهکل، جامعه غرق در اضطراب و التهاب سیاسی، و غرق در ندانم‌کاری‌های به اصطلاح کمونیست‌های مدافع توده‌های ستم‌دیده را متغیر ساخت و مبارزات میلیون‌ها انسان دردمند را، وارد فاز تازه‌ای نمود.

واقعیت این است که رژیم شاهنشاهی در آن زمان و به‌منظور خوش‌خدمتی به اربابانش، هر گونه اعتراضات کارگری - توده‌ای را با زور و با گلوله پاسخ می‌داد. زندگی مردم، روز به‌روز وخیم‌تر و زندان‌ها را پُر از مخالفان، کمونیست و مبارزان نمود. ساواک این ارگان مخوف و درنده نظام، به هر سوراخ و سنبه‌ای سرک می‌کشید و به دستگیری جوانان و کمونیست‌های معترض می‌پرداخت. در چنین اوضاع ترس و خوفی بود که تعدادی از کمونیست‌ها صدیق، با ارائه و با جمع‌بند جنبش کمونیستی ایران و جهان، پا به میدان گذاشتند و با انتخاب مبارزه مسلحانه، به جنگ با ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی برخاستند. مبارزه‌ای که در ۱۹ بهمن ۴۹ به خون نشست و ارگان‌های سرکوبگر نظام شاهنشاهی، جان ۱۳ تن از آغازگران مبارزه مسلحانه در جنگ‌های شمال ایران را گرفتند. حاکمان به‌خیال خویش بر این باور بودند که عمر باورمندان سیاهکل به پایان رسیده است و جامعه، همان مسیری را طی خواهد نمود که سرمایه‌داران وابسته در پی آنند؛ اما سیاهکل، آغاز راه بی‌پایان جامعه تحت سلطه نظام امپریالیستی و همچنین پاسخ به نیازها و ضرورت‌های عینی جامعه بود؛ سیاهکلی که حامل دست‌آوردهای مهم مبارزاتی، حامل سیاست و تاکتیک نوین، حامل افشاء و رد تمامی ایده‌های نافرجام و بی‌ثمر لمیدگان درون انقلاب و جنبش کمونیستی بود.

سیاهکل شکست خورد؛ اما و در عوض، قدر قدرتی دشمن را در هم شکست و خواب آرامش را از دشمنان طبقاتی کارگران و زحمت‌کشان ربود. شاه تلاش فراوانی نمود تا از ابعاد و از انعکاس واقعه سیاهکل در میان مردم جلوگیری به‌عمل آورد و از دامنه و از تأثیرات این شیوه از مبارزه در درون جامعه بکاهد. اختصاص بودجه‌های کلان نظامی و تبلیغاتی، مانع اشاعه عملیات رزمندگان سیاهکل در سطح جامعه نگردید و در مدت زمانی کوتاه، توجه مردم و جنبش روشن‌فکری را به سمت خود جلب نمود. چرا که سیاهکل پاسخ به اوضاع زمانه بود؛ پاسخ به بن‌بست‌های سیاسی - تئوریک، و همچنین پاسخ به نیازهای عملی جامعه سراسر زور و سرکوب بود. چرا که رزمندگان سیاهکل به این نظر دست یافته بودند که برای بسیج توده‌ها، باید رژیم دیکتاتوری حاکم بر جامعه را مورد خطاب قرار داد؛ به این جمع‌بندی دست یافته بودند که بقای نظام امپریالیستی با اتخاذ سیاست زور عریان و خشن گره خورده است؛ به این نظر دست یافته بودند که نمی‌توان توده‌ها را بسیج نمود، مگر این‌که در مقابل زور سازمان‌یافته، زور سازمان‌یافته مردمی را سازمان داد؛ به این باور دست یافته بودند که شکستن سد دیکتاتوری، منوط به مبارزه مسلحانه در مقابل ضد انقلاب مسلح است. در بستر چنین شرایط و ازریایی از روحيات جامعه و همچنین بر مبنای درک صحیح از قانون‌مندی‌های حاکم بر آن بود که کمونیست‌های اواخر دهه ۴۰ سلاح به‌دست

گرفتند و پا به میدان مبارزه گذاشتند و با عمل انقلابی خود، نقبی بر قدرت تاریخی توده‌ها زدند. به عبارتی صریح‌تر می‌توان اعلان نمود که سیاهکل صداقت به نظر، و باور به عمل بود و صرفاً و صرفاً در حیط‌بُاور، کز نکرده بود و در عمل نشان داده است که، شکاف و شکستن سد دیکتاتوری حاکم بر جامعه، و همچنین باوری به پیش‌روی و پیشاهنگی مبارزات توده‌های ستم‌دیده، در گرو تعرض کمونیست‌ها، بر دشمن سراپا مسلح می‌باشد.

با این اوصاف ارائه تفسیر و جمع‌بندی خارج از موارد فوق، پیرامون روی‌داد سیاهکل، بنادرست و غیر واقعی‌ست. نگارش سروده‌ها و داستان‌ها و غیره از جانب شاعران و داستان‌نویس‌ها در وصف روی‌داد سیاهکل، در خلاف این نظر نیست، که تحرک عملی کمونیست‌های اواخر دهه ۴۰، تا چه اندازه، جامعه روشن‌فکری را وارد فاز تازه‌ای از رو در روئی، با دم و دستگاه‌های نظام پهلوی نمود و تفکر "دیوار موش دارد و موش گوش دارد" را، به کنار زد و به سهم خود زمینه‌های علنی‌تر مبارزات کارگری - توده‌ئی را در سطح جامعه فراهم نمود. مبارزات توده‌ئی که ثمره آن را می‌توان در اعتراضات گسترده توده‌ئی سال‌های ۵۶ و ۵۷، بر شمارد. حمایت بی‌دریغ مردم از رزمندگان سیاهکل در گوران اعتراضات سال‌های ۵۶ و ۵۷ و آن‌هم تحت عناوین "فدائی، فدائی تو افتخار مائی"، و یا "کارگر، فدائی پیوندتان مبارک"، قابل کتمان نیست. نمی‌توان چنین نظری را رد نمود که بدون عمل کمونیست‌های صدیق، چنین ارتباط و حلقه‌های وسطی، مابین جنبش روشن‌فکری و مردمی، ممکن‌پذیر می‌بود. جنبش و حمایتی که در اثر تعرض کمونیست‌ها به ارگان‌های سرکوب‌گر نظام باعث گردیده بود، تا جامعه، مسیری خلاف تمایلات سیاسی - اقتصادی نظام پهلوی را انتخاب، و گام به‌گام، توده‌های ستم‌دیده را در بازستانی خواسته‌های ابتدائی‌شان علیه نظام شاهنشاهی مصمم‌تر نماید.

بی‌گمان آنچه را که در ۴۳مین سال‌گرد سیاهکل قابل تأکید و درس‌آموزی می‌باشد آن است که، جابه‌جائی فضای سیاسی جامعه و مهم‌تر از آن، تضمین و سمت‌وسو دادن مبارزات توده‌ها به مسیری بالنده‌تر، به حضور و به پراتیک بی‌وقفه سازمان‌های مدافع منافع توده‌های دردمند گره خورده است و طبعاً جنبش و اعتراض بدون دخالت‌گری سازمان‌های انقلابی - کمونیستی، جنبش و اعتراض بی‌ثمر و جنبش و اعتراض نافرجام خواهد بود. در یک کلام عمل سیاهکل نشان داده است که جامعه خمود و رکود، و جامعه اعتراضی، نیاز به عکس‌العمل سازمان‌های کمونیستی دارد. به اثبات رسانده است که هیچ جامعه‌ای بدون مداخله، و بدون اقدامات عملی مدعیان مبارزه علیه نظام‌های هار و امپریالیستی رهائی نخواهد یافت. نشان داده است که سازمان‌یابی اعتراضات پراکنده کارگری - توده‌ئی، مستلزم تحرک و فعالیت‌های رو در رو، و گام به‌گام سازمان‌های مدعی منافع کارگران و زحمت‌کشان علیه نظام‌های سراسر خشن و مسلح می‌باشد. نشان داده است که زمانی می‌توان، حرفی از عقب‌نشینی رژیم‌های سرکوب‌گر و همچنین ثمربخشی مبارزات و تشکلات کارگری - توده‌ئی به‌میان آورد، که سازمان کمونیستی مدعی تغییر مناسبات کنونی، ارگان‌های سد کننده را نشانه گیرند و با سازمان‌دهی اعتراضات توده‌ئی، دشمن را از حاکمیت بناحقش پس زند. کار و وظایف کمونیستی که رفقای سیاهکل در مقابل خود قرار دادند.

رژیم شاهنشاهی در اثر تحرک و اعتراضات کمونیست‌های اواخر و اوائل دهه ۴۰ و ۵۰ و همچنین در اثر اعتراضات توده‌های سال‌های ۵۶ و ۵۷، توسط امپریالیست‌ها - و به‌منظور کنترل جنبش‌های اعتراضی - به کنار گذاشته شد؛ اما، سیستم و حاکمیت امپریالیستی همچنان پا بر جا و دست نخورده باقی ماند؛ شاه رفت، اما اوضاع زندگانی میلیون‌ها انسان دردمند و کارگر و محرومان افزونی یافت، شاه رفت، اما میدان مبارزه، خالی از کمونیست‌ها و سازمان‌های انقلابی شد؛ شاه رفت اما فضای سرکوب و خفقاقت صد چندان شد و رژیم جمهوری اسلامی هم به یمن ارگان‌های رنگارنگ سرکوب، زندان‌ها را پر از مخالفان، مبارزان و کمونیست‌ها نمود و

جوخه‌های مرگ، در هر کوچه پس کوچه‌ای به راه انداخت. رژیمی که پای در جای پای رژیم شاهنشاهی گذاشته است و سیاست چپاول و غارت، و همچنین سیاست سرکوب اعتراضات کارگری - توده‌نی را پی گرفت. رژیم که گام به‌گام، جنبش و سازمان‌های انقلابی - کمونیستی را به عقب راند و نزدیک به ۴ چهار دهه است که می‌گیرد و می‌کشد تا منافع طبقه سرمایه‌داری وابسته محفوظ بماند. به طور قطع زندگی مردم در این نظام و علی‌رغم تحریکات و اعتراضات گسترده، بسیار وخیم‌تر و دردناک‌تر شده است. مخالفت‌ها یکی پس از دیگری و آن‌هم در ابعادی وسیع‌تر، سرکوب می‌شود و قداره بندان جمهوری اسلامی، چه در درون جامعه و چه در درون سیاهچال‌ها مرتکب آن‌چنان جنایاتی شده‌اند، که توضیح دقیق آن‌ها ناممکن می‌باشد. حمله به کردستان و ترکمن‌صحرا در همان اوان حاکمیت، حکایت از ماهیت نظامی دارد که از نظام گذشته شاهنشاهی به ارث گذاشته شده است. نظامی که با زور شکل گرفته است و تنها با کار بست زور تداوم‌دار و روزانه، زنده است. پُر واضح است که زندگی و بقای همه نظام‌های سرمایه‌داری و از جمله نظام وابسته جمهوری اسلامی، با کاربرد سلاح گره خورده است و در مقابل هم، نمی‌توان ادعای سازمان‌یابی اعتراضات توده‌نی را داشت و از اتخاذ سیاست موازی و رهائی‌ساز توده‌نی ظفره رفت. نمی‌توان ادعای مبارزه با ارگان‌های سرکوب‌گر نظام را داشت و به‌مقابله رو در رو با آن‌ها برخاست. نمی‌توان ادعای راه‌اندازی و هدایت انقلاب را داشت و در درون انقلاب شرکت ننمود. نمی‌توان مدعی پیشاهنگی و پیش‌روی جنبش کمونیستی بود و کمترین عکس‌العمل رفتاری و کرداری از خود نشان نداد. افکار، رفتار و کرداری که با رزمندگان سیاهکل بیگانه بود و بی‌دلیل هم نبود که در زمان و در فرصتی کوتاه، سازمان چریک‌های فدائی خلق، به یکی از محبوب‌ترین و عملی‌ترین، سازمان‌های کمونیستی ایران تبدیل گردیده بود. سازمانی که، باور و صداقت، به نظر و عمل داشت و متأسفانه نزدیک به ۴ دهه‌ایست که جامعه از چنین کمونیست‌های صدیق و افکار دوران‌سازی به‌دور می‌باشد.

سر آخر این‌که جامعه اعتراضی ایران، نیاز به سازمان کمونیستی هدایت‌گر دارد؛ نیاز به سازمان کمونیستی دارد که بتواند دستان چپاول‌گر سرمایه‌داران را از سفره ناچیز کارگران و زحمت‌کشان کوتاه نماید و فضای تازه مبارزاتی، و پُر جوش و خروشی در سرتاسر جامعه خفقان‌زده ایران برقرار نماید؛ نیاز به سازمان کمونیستی دارد که پیشاپیش مبارزات کارگری - توده‌نی قرار گیرد و آنان را، گام به‌گام در جهت تحقق حقوق دیرینه و پامال شده شان هدایت نماید؛ نیاز به سازمان کمونیستی دارد تا به‌مقابله عملی با ارگان‌های مسلح و خشن جمهوری اسلامی بر خیزد؛ نیاز به سازمان کمونیستی دخالت‌گر و آن‌هم در معادلات سیاسی درون جامعه ایران دارد. به عبارتی روشن‌تر، تاریخ جنبش‌های اعتراضی جهان و همچنین جنبش ایران نشان داده است که نظام‌های حاکم بدون فعالیت روزمره کمونیست‌ها در درون جامعه، پس زده نخواهند شد؛ نشان داده است که جنبش بدون دخالت‌گری کمونیستی، جنبش نافرجام و جنبش بی‌ثمر است؛ نشان داده است که ضامن، پیش‌روی و بالندگی اعتراضات مردمی و همچنین طرد حامیان سرمایه از صفوف مردم، در گرو، راه‌اندازی جنگ‌های انقلابی علیه جنگ‌های ضد انقلابی‌ست؛ نشان داده است که زمانی می‌توان از حق و حقوق محرومان و از جامعه انسانی فارغ از زور، سرکوب و بگیر و ببندها دفاع نمود، که سلاح به دست گرفت و در برابر زورمداران و مزدوران رنگارنگ‌شان به صف شد. ثمره جنبش سیاهکل در ۴ چهار دهه گذشته و نتایج اخیر جنبش مسلحانه کوبانی - علی‌رغم تمامی انحرافات تئوریک، عملی و علی‌رغم فقدان هدایت و برنامه کمونیستی -، گویای این حقایق روشن است که زمانی می‌توان آزاد اندیشید و آزاد زیست، که سلاح آزادی و سلاح رهائی را در دست گرفت؛ راهی که رزمندگان سیاهکل انتخاب نمودند. بنابراین،

والاترین گرامی‌داشت از جان‌باختگان و رهروان سیاه‌کل، صداقت در نظر، و باور به عمل و همچنین صداقت در طرح و بیان جایگاه حقیقی موقعیتِ فعالیتِ خودی، با کمونیست‌های دههٔ ۴۰ می‌باشد.

۵ فیبروری ۲۰۱۵

۱۶ بهمن [دلو] ۱۳۹۳